

اسباب بازیهای جنگی!

اطلاق بچه‌ها را تبدیل به موزۀ ادوات جنگی نکنید!



خرید این نوع اسباب بازیها هم روز بروز زیادتر می‌شود و بچه‌ها از آن استقبال می‌کنند. پدر و مادرها بدون فکر کردن و اندیشیدن به نتایج این کار هر چه می‌توانند از این نوع اسباب بازیهای جنگی برای کودکان خود خریداری کرده و به منزل می‌آورند و اطاق بچه‌ها را پر از آلات و ادوات جنگی می‌کنند.

در همان موقع دانشمندان علوم تربیتی و روان‌شناسان باین کار اعتراض کرده و پدر و مادرها

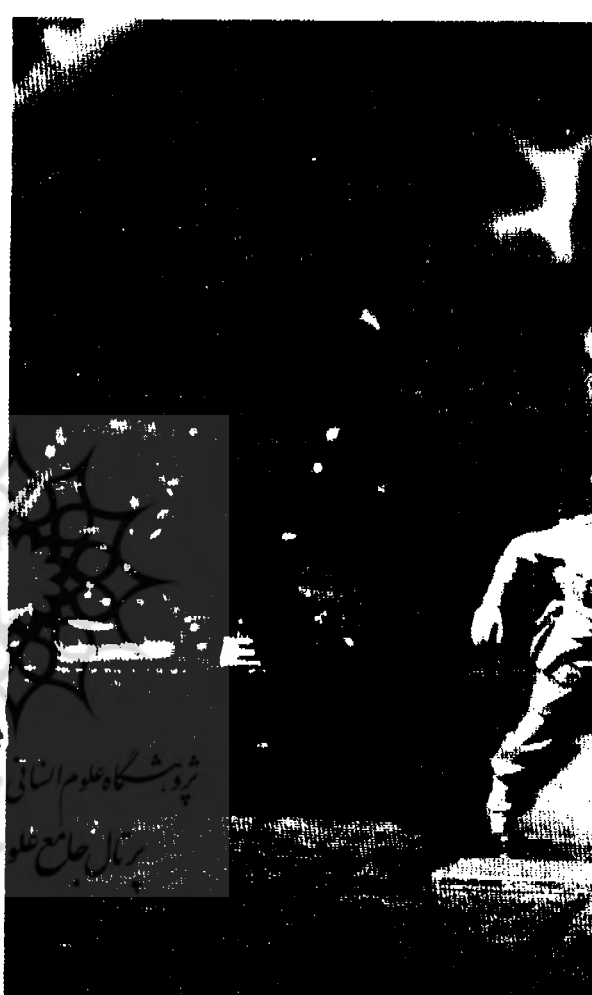
شاید در حدود بیست سال قبل بود که تحوای در اسباب بازیهای بچه‌ها شد و عروسک‌ها اسبهای چوبی، اتومبیل‌های کوچک و آدمک‌ها جای خود را به تپانچه‌های پلاستیکی، تفنگ‌های خفیف، کاردهای چوبی و بالاخره لباس‌های کابوی دادند و کمی بعد سازندگان اسباب بازی باینهم اکتفا نکرده و این اسباب بازیها را تبدیل به تانک و توپ و بالاخره اخیراً سوشک و هواپیماهای جنگی کرده‌اند. ستأسفانه

این میدانند که جنگ جهانی مدت‌هاست که تمام شده و مردم مناظر و تلاقات آنرا از یاد برده‌اند و حالا بجای اینکه از این ادوات جنگی تنفرو انزجار داشته باشند آنها را بصورت اسباب بازی دست بچه‌های خود داده‌اند .

غالباً وقتی از کارخانجات سازنده این اسباب بازیها پرسیده می‌شود که چرا اسباب بازیها خود را بصورت سلاح جنگی درست می‌کنند و یا از فروشندگان سؤال می‌شود که چرا این قبیل اسباب بازیها را می‌فروشند، جواب میدهند بعلت آنکه مشتریان آنها طالب چنین اسباب بازیهایی هستند و آنها هم بخاطر جلب رضایت مشتریان این قبیل اسباب بازیها را میسازند . اگر از خانواده و پدر و مادرها بپرسند که چرا این نوع اسباب بازیها را برای کودکان خود می‌خرند جواب میدهند برای آنکه خود بچه‌ها می‌خواهند و اصرار دارند .

و بالاخره اگر از بچه‌هایی که با تانک و توپ بازی می‌کنند سؤال شود که چرا تانک را بعنوان اسباب بازی خود انتخاب کرده‌اند جواب میدهند برای اینکه دوستان آنها هم با تانک بازی می‌کنند و یا اینکه آنرا احياناً در ويترين سغازه اسباب بازی فروشی دیده‌اند .

بدین ترتیب همه بطور زنجیره‌ای و دایره‌وار تقصیر ها را بگردن یکدیگر می‌اندازند . حالا باید دید مقصر واقعی کیست و این کاراز کجا شروع می‌شود . در اینجا باید گفت که در اینکه صاحبان و مهندسان طراح کارخانجات اسباب بازی سازی حسن نیت و فکردرستی در این باره نداشته‌اند تردیدی وجود ندارد . چندی قبل دریکی از برنامه‌های تلویزیونی آلمان غربی مصاحبه و میزگردی در این باره بود و یکی از مدیران کارخانجات اسباب بازی سازی در جواب



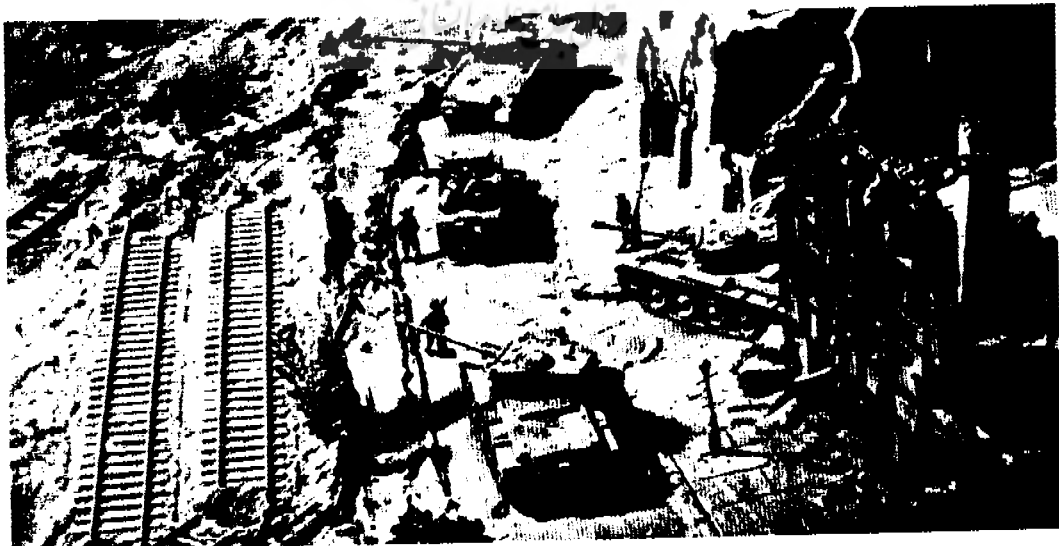
را از اینکه اطای بچه‌ها رایبه میدان جنگ و موزه ادوات جنگی تبدیل کنند بر حذر داشتند تا مدتی این اعتراضات و سروصداها مؤثر واقع شد ولی متأسفانه از نوساختمان اسباب بازیها در کارخانجات ادامه یافته است و خانواده‌ها هم بدون توجه باینکه چه می‌کنند مرتب از این نوع اسباب بازیهای جنگی خرید و بچه‌ها را با آن آشناسیکند ، روانشناسان علت بی‌توجهی خانواده‌ها رایبه مخاطرات این اسباب بازیها

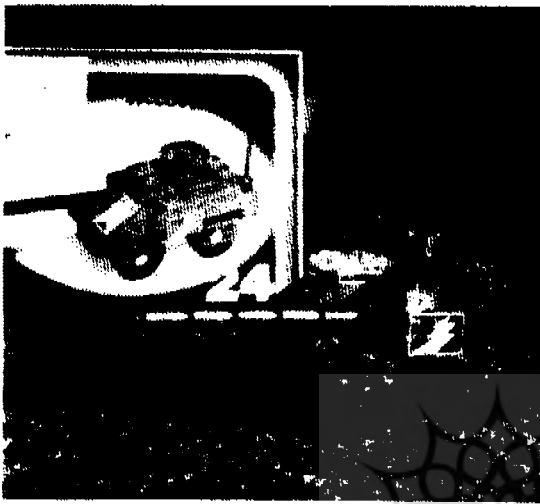
اعتراضات مخالفان اظهار داشت این اسباب بازیها وسایل جنگی نیستند بلکه وسایل دفاعی هستند ! درحالیکه معلوم نیست یک کودک بایک تانک کوچک و بازیچه خودازچه چیزی دفاع می کند ؟ دراینجا اعتراضی به کودکان وارد نیست . کودکان ، درحقیقت اسیردست بزرگترهای خود هستند و کارهائی را می کنند که بزرگترهای آنها می خواهند . مادری طی نامه ای که به مجله «الترن» آلمان نوشته است مطالب جالبی را در این مورد عنوان کرده است این مادر نوشته است :

من و شوهرم ازاول مخالف آن بودیم که اسباب بازیهای جنگی برای پسر خودمان بخریم وبهین علت هر قدر اواصرار کرد که یک تپانچه کوچک برایش از اسباب بازی فروشی بخریم ، سقاوت کردیم و آنرا انجام ندادیم ، ولی در این میان متوجه شدم که کلیه بچه های همبازی پسر من دارای اسباب

بازیهای تپانچه و تفنگ هستند و در نتیجه همه احتیاط ها و احترازی که ما از خرید این اسباب بازیها داشتیم بیهوده بوده است پسر ما موقع بازی با همبازیهای خود چون خودش از این اسباب بازیها نداشت بیچاره یا کنترمی ایستاده آنها را تماشا می کرد یا آنکه احياناً تفنگ و تپانچه آنها را قرض می گرفت و با آنها مشغول بازی می شد و از این بازی هم خیلی لذت می برد ! حالا در این فکر هستیم که آیا واقعا طرز فکر ما درست بوده و حق داشته ایم که اسباب بازی جنگی برای پسر خود نخریم ؟ یا این کار عملی بیهوده و عبث است و بهتر است روش و طرز کار خود را تغییر دهیم ؟

من فکرمی کنم که این مادر ، در میان خانواده های دیگر تنها نباشد و مادران زیادی هستند که گرفتاری او را پیدا کرده اند . حقیقت این است که متأسفانه در شرایط زندگی کنونی ، دور نگاه داشتن کودکان از وسایل و سلاح





جنگی امکان پذیر نیست ، اگر خانواده برای بچه خود یک تپانچه پلاستیکی نخرد و دست او ندهد بدون تردید بچه بادیدن این اسباب بازی در دست بچه های دیگر وازهمه بدتر بادیدن فیلم های سینما و سریال های تلویزیونی یک قطعه چوب را بصورت تپانچه در آورده و دست میگیرد ویا آن بطرف بچه ها نشانه روی کرده و آرتیست بازی در میآورد ! در اینجا هم مانند سوارد دیگر پرورشی این قاعده کلی صادق و درست است که «بچه ها بوسیله خانواده خود پرورش پیدانمی کنند ، بلکه این محیط و شرایط اجتماعی است که آنها را مطابق خود بار میآورد» بچه ها معمولا میخواهند چیزهایی را که دیگران دارند داشته باشند ، آنها میخواهند با اسباب بازیهای بازی کنند که بچه های دیگر بازی می کنند آنها دلشان میخواهد آنچه را که در برنامه ها و فیلم های تلویزیون دیده اند تقلید کنند ، هفت تیرکشی کنند همبازی خود را بعنوان دزد بکشند و همبازی دیگر خود را مجروح نمایند . بعبارت دیگر آنها میخواهند درست مانند بزرگترها زندگی کنند ، کارهای ما را تقلید نمایند و آنچه را که ما میکنیم نمونه و سرمشق خود قرار دهند بدین ترتیب تا موقعی که همه پسر بچه ها و حتی دختر بچه ها آرتیست بازی و هفت تیرکشی می کنند بهیچوجه امکان ندارد که خانواده ای بتوانند پسر خود را از هفت تیرکشی بازدارد . موقعی که بچه ها ، هفت تیرهای پلاستیکی خود را بطرف بزرگترها نشانه روی کرده میگویند . تق! تق! حالات تو کشته شده ای ، بعضی از پدران و مادران ناراحت میشوند که چرا باید کودک آنها اصولا بفکر کشتن کسی افتاده باشد ؟ . ولی مسئله اینجاست که کودکان به واسطه افکارشان بکلی با ما تفاوت دارد ،

تیراندازی از نظر آنها سرگ و قتل و نابودی نیست ، بلکه یک نوع بازی و سرگرمی است ، آنها تیراندازی نمی کنند که کسی را کشته یا نابود کنند ، بلکه این کار را فقط بعنوان تفریح و بازی انجام میدهند و این را یک فرصتی میدانند که خود را بزرگ و نیرومند و قوی به پندارند .

تقریباً همه بچه ها در سالهای چهار و پنج تا یازده سالگی گرفتار یک حالت تهاجمی میشوند ، خوششان میآید بازی هائی بکنند که جنبه تجاوز و زورگویی داشته باشد و بیشتر آنها بعلت مشاهده فیلم های وسترن در سینما و یا تلویزیون دوست دارند که هفت تیرکشی و بازیهای « آرتیست و دزد » کنند .

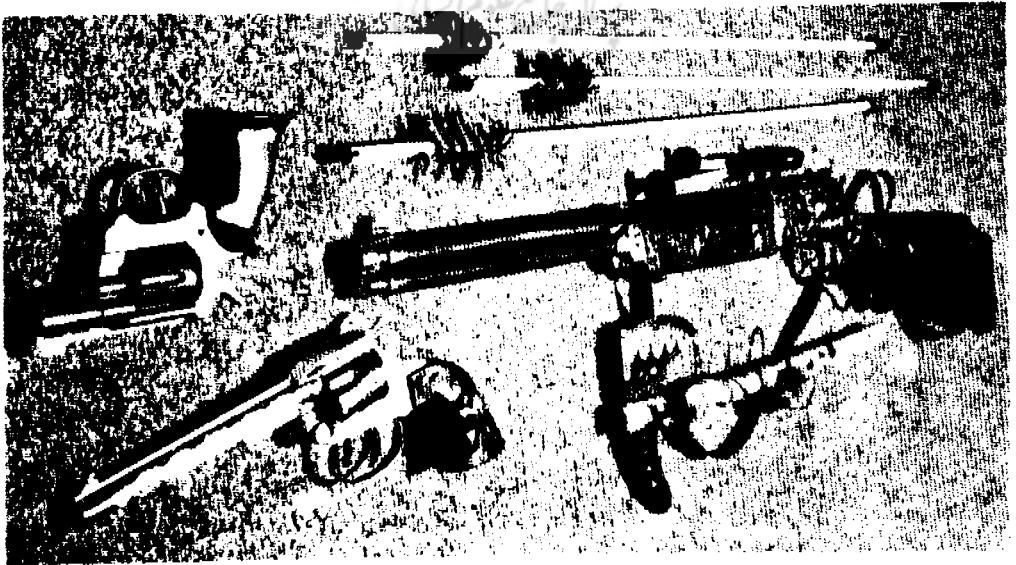
معمولا در سن ده سالگی از این نظر تغییری در روحیه بچه ها پیدا می شود و دیگر آنها از این نوع بازیها خوششان نمیآید ولی امکان دارد که بعضی از بچه ها بعد از این سن و بعد از دوران بلوغ نیز از بازیهای تجاوز و زورگویی لذت ببرند و از دیدن سلاح مختلف خوششان بیاید

این بچه‌ها به‌رحال قابل مطالعه هستند و از نظر روانشناسان باید آنها را مورد بررسی قرار داد. در هر حال بچه‌ها در سنین یازده بالا به معنای کلمه سرگ و کشتن با اسلحه بیشتر فکرمی‌کنند و این معنی را بیشتر درک میکنند و متوجه می‌شوند که برای حل اختلافات و کشمکش‌ها راه حل‌های دیگری جز سرگ و قتل هم می‌تواند وجود داشته باشد و از راه‌های صلح‌آمیز بیشتر و بهتر می‌توان استفاده کرد.

طرفداران اسباب بازیهای جنگی کودکان دو دلیل بزرگ برای صحت نظر و عقیده خود دارند. اول آنکه بهیچوجه ثابت نشده است کودکانی که با اسباب جنگی بازی میکنند در آینده زورگو و متجاوز شوند و ثانیاً از نظرمهت اختلاقی میان بازیچه‌های ساده چون تپانچه‌های پلاستیکی و آبی و بازیچه‌های بزرگتر چون زره‌پوش، موشک و سربازان چوبی نیست. مخالفان این بازیچه‌های جنگی در مقابل

دلایل طرفداران می‌گویند فقط بخاطر آنکه ثابت نشده است این بازیچه‌های جنگی کودکان را متجاوز نمی‌کند نمی‌توان بچه‌ها را با این وسایل که روحیه آنها را خراب می‌کند تنها گذاشت آنها مثال می‌زنند که سیگار هم هنوز صد درصد ثابت نشده است که سرطان‌ساز است و لی معذالک پدر و مادرها هیچگاه اجازه نمی‌دهند که کودکان آنها سیگار بکشند و در مورد دلیل دوم آنها هم اظهار می‌دارند که بازیچه‌های ساده از قبیل تپانچه‌های پلاستیکی مربوط به مبارزه‌های تن‌به‌تن و دو نفره است و ما چرا باید کودک را در سن کوچکی با وسایلی آشنا کنیم که هزاران نفر را نابود میکند و بدین ترتیب روحیه آنها را بکلی درهم شکنیم؟

مخالفان اسباب بازیهای جنگی در این مورد می‌گویند، کودکان عروسک بازی میکنند زیرا روزی میخواهند مادر و پدر شوند آنها بازی آشنیزی یا اتومبیل‌رانی میکنند بخاطر آنکه در آینده میل دارند مانند بزرگترها رانندگی





متوسل به وسایل جنگی و توپ و تانک و موشک شوند؟

بهر حال بزرگترها باید مسئولیتی برای خود از نظر تهیه اسباب بازیهای بچه ها حس کنند، آنها باید بدانند که بچه ها با چیزهایی بازی می کنند که بزرگترها برای آنها میخرند ولی بهترینیست که بعوض توپ و تانک و موشک برای بچه ها اسباب بازیهای نظیر آلات و وسایل موسیقی، نقاشی و یا وسایل فیزیکی و تاحدودی علمی خرید و باین ترتیب به پرورش و گسترش ذهن کودک کمک کرد؟

یا آشنیری نمایند در حقیقت بیشتر بازی بچه ها منزله تمرین برای کارهایی است که آنها در آینده باید انجام دهند و در اینصورت آنها را چرا باید با اسباب بازیهای جنگی آشنا کنیم آیا جنگ و تخاصم نوعی از کارهای آینده آنهاست؟ اینها دلایلی درله و بر علیه اسباب بازیهای جنگی است ولی در پایان باید این موضوع را خاطر نشان کرد که آیا اینهمه زمینه های مختلفی که در شئون گوناگون زندگی وجود دارد کافی نیست که مدل اسباب بازیهای بچه ها قرار گیرد که سازندگان اسباب بازیها